

شکل‌گیری معمای امنیت با رشد رقابت تسلیماتی در آسیا - پاسفیک

دکتر رویا خضری^۱

^۱. کارشناس حوزه شرق آسیا و اقیانوسیه Dr.rkhezri@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۹/۱۵)

چکیده

منطقه آسیا- پاسفیک با توجه به حجم بالای واردات تسلیحات، افزایش هزینه‌های نظامی و مدرن سازی نیروی نظامی و دریایی کشورهای منطقه، به سمت شکل‌گیری معمای امنیتی در حرکت است. تحولات اقتصادی و نظامی همراه با رقابت استراتژیک در آسیا- پاسفیک باعث بی‌ثباتی و ناپایداری در آینده نزدیک در این منطقه خواهد شد. در این حالت کشورهای منطقه به دنبال افزایش امنیت از طریق ائتلاف یا افزایش توان نظامی خود برای مقابله با تهدیدها و بی‌ثباتی در منطقه برمی‌آیند، همان چیزی که رئالیست‌ها از آن به عنوان معمای امنیت یاد می‌کنند. همه این موارد در حال حاضر در آسیا- پاسفیک در حال وقوع است. بر این اساس، مقاله به دنبال بررسی این موضوع می‌باشد که آیا افزایش هزینه‌های نظامی و رشد واردات تسلیحات در این منطقه همراه با اختلافات ارضی و عدم وجود سازوکار مشخص برای حل اختلافات و نبود یکپارچگی امنیتی در بین کشورهای منطقه پتانسیل شکل‌گیری معمای امنیت و درگیری را با توجه به حضور قدرت‌های مهم اقتصادی و نظامی همچون آمریکا، چین و ژاپن در آینده نزدیک خواهد داشت؟

▪ واژگان کلیدی:

معمای امنیت، آسیا- پاسفیک، رقابت تسلیحاتی، سیاست بازگشت به آسیا، آمریکا

مقدمه

منطقه آسیا- پاسفیک با توجه به حجم بالای واردات تسلیحات، افزایش هزینه‌های نظامی و مدرن سازی نیروی نظامی و دریایی کشورهای منطقه، به سمت شکل‌گیری معمای امنیتی در حرکت است. تحولات اقتصادی و نظامی همراه با رقابت استراتژیک در آسیا- پاسفیک باعث بی‌ثباتی و ناپایداری در آینده نزدیک در این منطقه خواهد شد. در این حالت کشورهای منطقه به دنبال افزایش امنیت از طریق ائتلاف یا افزایش توان نظامی خود برای مقابله با تهدیدها و بی‌ثباتی در منطقه برمی‌آیند، همان چیزی که رئالیست‌ها از آن به عنوان معمای امنیت یاد می‌کنند. همه این موارد در حال حاضر در آسیا- پاسفیک در حال وقوع است. آنچه باعث نگرانی در مورد آینده این منطقه شده است دنبال کردن یک مسابقه تسلیحاتی به دلیل شکل‌گیری محیط امنیتی است. کشورهای این منطقه هنوز یک سازوکار مشخص برای حل اختلافات خود ندارند و در زمان بروز اختلاف تنها با افزایش تعداد نیروی نظامی خود در مناطق مورد مناقشه سعی در رفع مشکل دارند. وجود این چنین اختلافات ارضی بین کشورهای منطقه در آینده نزدیک نگران کننده خواهد بود.

با توجه به مسائل فوق، این مقاله درصدد است تا به این پرسش بپردازد که آیا افزایش هزینه‌های نظامی و رشد واردات تسلیحات در آسیا- پاسفیک همراه با اختلافات ارضی و عدم وجود سازوکار مشخص برای حل اختلافات و نبود یکپارچگی امنیتی در بین کشورهای منطقه پتانسیل شکل‌گیری معمای امنیت و درگیری را با توجه به حضور قدرت‌های مهم اقتصادی و نظامی همچون آمریکا، چین و ژاپن در آینده نزدیک خواهد داشت؟ بر این اساس، در این نوشتار به بررسی عوامل اثرگذار در شکل‌گیری محیط امنیتی در آسیا- پاسفیک بر اساس تئوری رئالیسم پرداخته خواهد شد. همچنین رشد هزینه‌های نظامی منطقه و میزان واردات تسلیحات در این منطقه در مقایسه با سایر مناطق در جهان مورد بررسی قرار خواهند گرفت و در پایان نگاهی به راهکارهای ژاپن برای تقویت محیط امنیتی خود خواهیم داشت.

تحلیل تئوریک معمای امنیت در آسیا - پاسفیک از منظر رئالیستی

امروزه امنیت دیگر مفهوم سنتی خود را که در چارچوب مدل وستفالیایی بود، از دست داده و امنیت چندبعدی شده است. بری بوزان معتقد است که امنیت ملی و امنیت بین‌المللی به وسیله امنیت منطقه‌ای معنا و مفهوم می‌یابد. در نتیجه سیاست خارجی مناسب هر کشوری، سیاستی است که به امنیت چندبعدی توجهی ویژه نماید و برای کسب امنیت ملی خویش، نگاه ویژه‌ای به امنیت منطقه‌ای خود داشته باشد. امنیت منطقه‌ای، یک نظام امنیتی است که کشورهای واقع در آن اولاً دغدغه امنیتی مشابهی دارند. ثانیاً از نظر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی دارای سرنوشت نسبتاً مشترکی می‌باشند و واحدهای تشکیل دهنده آن برحسب نگرانی‌ها و درک و برداشت یکسان از تهدیدات، به منظور ایجاد و حفظ خود تن به قواعد و سازوکارهای مشخص می‌دهند. وجود بسترهای تاریخی برای نزاع و ستیز بین بازیگران منطقه می‌تواند در صورتی که این شاخص‌ها توسط برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مورد دستکاری واقع شوند حالتی از معماهای امنیتی را در بین بازیگران منطقه ایجاد نماید. در واقع منظور از معمای امنیت، شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می‌شود.

معمای امنیت وضعیتی فرض شده که در آن امکان ورود دو یا چند دولت به رقابت خصومت‌آمیز و حتی جنگ وجود دارد؛ حال آنکه هیچ یک از آنها به انجام چنین اقدامی مایل نیستند. به این لحاظ، معمای امنیت از ناامنی بدتر فرض می‌شود؛ چرا که در اساس، معما به معنای ناگزیری در گزینش بین دو انتخاب نامطلوب، در شرایطی است که به نظر راه حل مناسب برای برون رفت وجود ندارد. (Sorensen, 2007, p:359)

از منظر رئالیست‌های تدافعی، ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل نگرانی‌هایی را در بین کشورها درباره جایگاه آنها در این نظام و در قبال سایر دولت‌ها ایجاد و آنها را به رفتارهای منطقی مبتنی بر هزینه و فایده هدایت می‌کند. دولت‌ها در این فضا برای رفع تهدیدها مبادرت به انتخابی استراتژیک میان موازنه یا همراهی^۱ می‌کنند. چگونگی این امر به میزان قدرت، جایگاه نسبی آنها در نظام بین‌الملل و برداشت از امنیت نسبی خود بستگی دارد.

^۱ - Balance or Bandwagoning

هرچند برخی برای امنیت سازی یا برخورداری از سهم بیشتر در ترتیبات بین‌المللی به خود جرات موازنه سازی با هژمون را می‌دهند اما سایرین از جمله کشورهای با موقعیت ضعیف‌تر با محاسبه هزینه‌های ناشی از تقابل و فایده‌های ناشی از همراهی با هژمون استراتژی همراهی را در پیش می‌گیرند. (Hansen, 2009, p:30)

از نظر رئالیست‌های تهاجمی چون فرید زکریا، تاریخ نشان می‌دهد دولت‌ها در شرایطی که به شکل فزاینده اقتصادشان رشد می‌کند به سمت افزایش توان نظامی حرکت می‌کنند و خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان کرده و به دنبال افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی می‌روند. (Zakaria, 1998, p:3) به عبارت دیگر، توانمندی‌های نسبی تا حد زیادی به نیت دولت‌ها شکل می‌دهند. هنگامی که دولتی قدرتمند می‌شود تلاش می‌کند تا نفوذ خود را افزایش داده و به حداکثر برساند و محیط پیرامونی خود را کنترل نماید آنچه که به وضوح در خصوص چین شاهد آن هستیم. بنابراین دولت‌ها در مواردی که تصور کنند توانمندی نسبی‌شان افزایش یافته، راهبردهای توسعه‌طلبی با هدف پیشینه‌سازی نفوذ را دنبال خواهند کرد (Talaferro, 1999, p:1). ویژگی نظام بین‌الملل به گفته میر شایمر، ممکن است جنگ‌هایی همیشگی نباشد اما به هر حال منجر به رقابت امنیتی مداوم خواهد شد. دولت‌ها در جهانی به سر می‌برند که سرشار از تهدیدات مختلف است و واحدهایی هستند که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند. هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند که این به معنای کسب قدرت به زیان دیگر بازیگران است و منجر به شکل‌گیری معمای امنیت می‌گردد که ریشه آن در عدم اطمینان از توان سایر بازیگران است. (Mearsheimer, 2001)

برخلاف روال غالب در دوران جنگ سرد، جهان قرن ۲۱، یک یا دو قطبی و حتی چند قطبی نیست، بعضی‌ها ابرقدرت هستند (مانند آمریکا)، برخی قدرت بزرگ هستند (مانند چین و روسیه)، برخی قدرت منطقه‌ای هستند (مانند ایران) و بسیاری دیگر قدرت ضعیف هستند، در این میان، ممکن است بعضی قدرت‌های بزرگ یا ضعیف منطقه‌ای با قدرت‌های برتر یا ابرقدرت‌ها ائتلاف کنند. از این منظر همه گرایش‌های ائتلاف‌جویانه، ریشه منطقه‌ای دارند، یعنی قدرت‌های منطقه‌ای تنها از بیم همسایگان خود به هم‌گرایی و ائتلاف با قدرت‌های

بزرگ فرمانطقه‌ای روی می‌آورند. (Buzan, 2000, p:13-22) آنچه که اکنون با توجه به سیاست بازگشت به آسیا اوباما، رشد توان اقتصادی و نظامی چین، افزایش هزینه‌های نظامی و روند رو به رشد واردات تسلیحات توسط کشورهای منطقه شاهد هستیم همه تاییدی بر شکل‌گیری معمای امنیت در آسیا- پاسفیک است.

بررسی عوامل اثرگذار در شکل‌گیری محیط امنیتی در آسیا- پاسفیک

اختلافات بر سر دریای جنوبی چین و دریای شرقی از یکسو و افزایش توان نظامی چین از سوی دیگر، کشورهای منطقه را به سمت رقابت تسلیحاتی و در نهایت شکل‌گیری معمای امنیتی در آسیا- پاسفیک سوق داده است. بر همین اساس، هزینه‌های نظامی و میزان واردات تسلیحات در منطقه به ویژه در جنوب شرق آسیا روز به روز رو به افزایش است. این وضعیت، منطقه را در آینده به سمت بی‌ثباتی پیش خواهد برد. ادعای حاکمیت چین بر جزایر سنکاکو یا دیائویو، پاراسل و اسپراتلی و عدم قبول داوری بین‌المللی برای حل این اختلاف به پیچیدگی‌های سیاسی منطقه افزوده است.

نبود مکانیسم اعتمادساز بین چین و همسایگانش، دستیابی به یکپارچگی امنیتی را مشکل‌تر کرده است. اکثر همسایگان چین متحد آمریکا هستند. از طرفی حضور نظامی آمریکا در اوکیناوا و جنوب شرق آسیا به همراه کمک‌های نظامی این کشور به متحدان خود در منطقه، چین را به سمت تقویت هرچه بیشتر توان نظامی سوق داده است. مسائل و اختلافات تاریخی در آسیا- پاسفیک معضل امنیتی دیگری است که این منطقه با آن دست به گریبان است. ژاپن و کره جنوبی دو متحد مهم آمریکا در منطقه و با اقتصادهای پیشرفته تا کنون نتوانستند به دلیل برخی مسائل تاریخی حل نشده همچون بحث زنان برده جنسی^۱، زندانیان جنگ و معبد Yasukuni، با هم به یکپارچگی امنیتی دست یابند. معضل امنیتی دیگر در منطقه، کره شمالی است که با آزمایشات هسته‌ای خود موجبات بی‌ثباتی در آسیا - پاسفیک را فراهم آورده است.

^۱- Comfort Women

واقعیات ژئوپلتیک در آسیا- پاسفیک به ویژه در جنوب شرق آسیا مانعی برای ایجاد یکپارچگی امنیتی است. کشورهای منطقه نیاز به یک توازن قدرت استراتژیک بین اتحاد با آمریکا از یکسو و مشارکت با چین از سوی دیگر دارند. انجام اقدامات اعتماد ساز در منطقه از جمله حل اختلافات تاریخی و ارضی و همچنین اجماع اعضای آسه آن برای دنبال کردن استراتژی توازن بین آمریکا و چین، زمینه‌ساز یکپارچگی امنیت منطقه‌ای در آسیا- پاسفیک خواهد بود (Yuxin, 2015). در پنج سال گذشته ریسک رقابت و درگیری در دریای جنوبی چین و دریای شرقی افزایش یافته است. از نگاه واقع‌بینانه، در این منطقه رشد چین، عدم تمرکز کامل آمریکا روی این منطقه آن‌طور که در ابتدای ارائه دکترین بازگشت به آسیا توسط اوباما مطرح شده بود، نبود نهادهای منطقه‌ای در حوزه امنیتی، اختلافات ارضی و نگرانی‌ها از تأثیر این اختلافات بر امنیت دریایی به عنوان مهم‌ترین راه تبادلات تجاری، همه و همه منجر به شکل‌گیری محیط امنیتی و بالاتر از آن معمای امنیتی شده است. منطقه آسیا- پاسفیک در قرن ۲۱ پتانسیل درگیری بر سر اختلافات ارضی دریایی را دارد. اهمیت دریای جنوبی چین و دریای شرقی به دلیل موقعیت استراتژیک خطوط دریایی، منابع معدنی و انرژی و ماهیگیری است. هر ساله یک چهارم از تجارت جهانی معادل ۵/۳ تریلیون دلار از دریای جنوبی چین عبور می‌کند. از این میزان ۱/۲ تریلیون دلار کالاهای تجاری آمریکا را تشکیل می‌دهد (www.cfr.org).

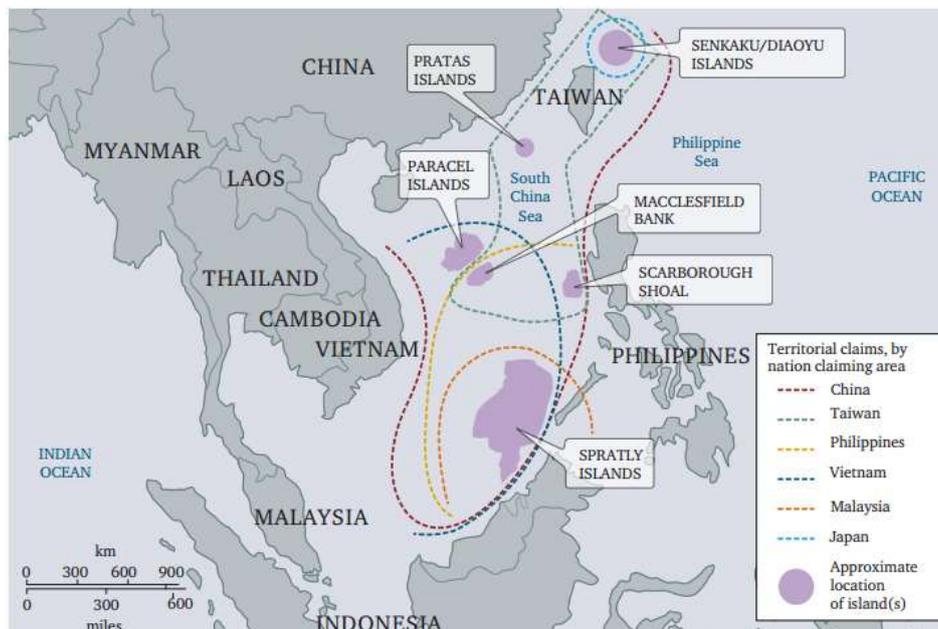
یک سوم از کشتی‌های حامل نفت و نیمی از کشتی‌های حامل گاز مایع خلیج فارس از این منطقه عبور می‌کنند. (US.EIA, 2013) بر اساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی، ۹۰ درصد از صادرات نفت خاورمیانه تا سال ۲۰۳۵ به جنوب شرق آسیا خواهد بود. (www.worldenergyoutlook.org)

بر اساس آمار اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ذخایر اثبات شده در دریای جنوبی چین شامل ۱۱ میلیارد بشکه نفت و ۱۹۰ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی است و سازمان زمین‌شناسی آمریکا هم تخمین زده که ۲ میلیارد بشکه نفت و ۱۶۰ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی در این منطقه کشف نشده باقی مانده است. یک پنجم از این منابع کشف نشده در جزایر مورد مناقشه واقع است. (Metelitsa & Kupfer, 2014) یکی از این جزایر اسپرانتلی است که در دریای

جنوبی چین قرار دارد و مورد ادعای فیلیپین، ویتنام، مالزی و چین است. جزایر پاراسل هم مورد ادعای چین، ویتنام و تایوان می‌باشد. چین، تایوان و فیلیپین بر سر حاکمیت جزیره دیگری به نام Scarborough Shoal که در زبان چینی به آن Huangyan Island می‌گویند و در ۱۰۰ مایلی فیلیپین واقع شده اختلاف دارند. در دریای شرقی جزایر سنکاکو یا دیائویو قرار دارد که مانع عمده‌ای در روابط چین و ژاپن است. چین فعالیت‌های دریایی و هوایی خود را در این منطقه از سال ۲۰۱۲ به این طرف افزایش داده است. تعداد کشتی‌های چینی که وارد آب‌های این جزایر می‌شدند تا قبل از سپتامبر ۲۰۱۲، صفر بود اما بعد از آن به ۲۸ بار در هر ماه رسیده است (Ministry of foreign affairs of Japan, 2015).

بر اساس گزارش سالانه مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۵، میزان ریسک تجاری و اقتصادی در آسیا رو به افزایش است. این منطقه بعد از دهه‌ها صلح و همکاری نسبی یکی از منابع اصلی تهدید و ریسک اقتصادی بشمار می‌رود. آسیا- پاسفیک از لحاظ بروز تنش در حوزه دریایی و هوایی و همچنین نظامی شدن شبیه به زخم در حال باز شدن است که می‌تواند اقتصاد جهان را تحت تأثیر قرار دهد. برای نمونه دو کشور چین و ژاپن به عنوان دومین و سومین اقتصاد بزرگ جهان ۲/۹ تریلیون از صادرات جهانی را در سال ۲۰۱۳ در اختیار داشتند (www.wto.org) بخش اعظم از این میزان از مسیر دریای جنوبی چین صادر می‌گردد. بروز مناقشه بین این دو کشور می‌تواند باعث توقف کار ۶ بندر از بزرگترین بنادر جهان شود که نیمی از حمل و نقل جهانی را بر عهده دارند همچنین باعث توقف پروازها در ۵ فرودگاه از ۲۰ فرودگاه برتر جهان خواهد شد که ۸ درصد از جابجایی مسافر و ۴۶ درصد از حمل و نقل بار در سطح جهانی را انجام می‌دهند (Coburn, 2015).

Map: Competing territorial claims in the South China Sea



محیط امنیتی آسیا- پاسفیک در قرن ۲۱ به سمت رقابت و اختلاف به ویژه بر سر قلمروی دریایی پیش می‌رود. سه عامل در افزایش احساس ناامنی و شکل‌گیری محیط امنیتی در این منطقه نقش دارد:

- ۱- افزایش عدم تقارن اقتصادی میان اقتصادهای آسیایی؛
 - ۲- افزایش چالش‌های امنیتی غیر سنتی در منطقه؛
 - ۳- سیاست بازگشت به آسیای اوباما و واکنش چین و متحدان آمریکا به این سیاست؛
- چین در حال حاضر بزرگترین شریک تجاری برای اکثر کشورهای منطقه است. تحول ساختاری در اقتصاد چین به عنوان قدرت نوظهور باعث عدم تقارن اقتصادی با بازارهای کشورهای دیگر در منطقه شده و امکان اعمال قدرت اقتصادی به عنوان اهرم فشار از سوی چین بر همسایگانش را افزایش داده است. علاوه بر افزایش عدم تقارن اقتصادی در منطقه، حوزه تهدیدات امنیتی غیرسنتی نیز گسترش یافته که نیازمند همکاری‌های منطقه‌ای است. تهدیداتی چون بلایای طبیعی، سونامی سال ۲۰۰۴ و ۲۰۱۱، بحران‌های بهداشتی و

گسترش بیماری‌هایی چون سارس، تخریب محیط زیست و آتش‌سوزی جنگل‌ها (در اندونزی)، کاهش شیلات، افزایش جرایم فراملی و تروریسم، فقر و امنیت انسانی همه از تهدیدات غیر سنتی هستند که در این منطقه رو به افزایش است.

در نهایت مهم‌تر از همه سیاست بازگشت به آسیا اوپاما قرار دارد. بر اساس این سیاست قرار است تا سال ۲۰۲۰ آمریکا ۶۰ درصد از نیروی دریایی خود را در این منطقه مستقر کند. اقدامی که برای چین تحریک‌آمیز است. این سیاست که به گفته اوپاما جهت برقراری ثبات در منطقه می‌باشد با استقبال ژاپن، استرالیا و فیلیپین همراه بوده و منتهی به سرمایه‌گذاری در ظرفیت توان دریایی و بازسازی امنیتی در کشورهای منطقه شده است. (Kun-Chin, & Gertner, 2015, pp.9-13)

از نگاه چین این رویکرد آمریکا در جهت محدود کردن گزینه‌های چین در منطقه است. توافقنامه مشارکت ترانس پاسفیک TPP^۱ با مشارکت ۱۲ کشور منطقه بدون حضور چین یک نمونه آن است. چین نیز اقدام به ایجاد بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا AIIB^۲ در مقابل صندوق بین‌المللی پول نموده است. از منظر آمریکا، چین یک استراتژی بلندمدت جهت تسلط بر دریا را برای خود تا سال ۲۰۴۰ برنامه‌ریزی نموده است. بر طبق این طرح قرار است چین در مرحله اول بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ کنترل آب‌های جزیره در زنجیره اول را در اختیار گیرد که در پیوند با اوکیناوا، تایوان و فیلیپین است. در مرحله دوم در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ کنترل زنجیره دوم را بدست گیرد که در پیوند جزایر Ogasawara، گوام و اندونزی است و در مرحله سوم بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۴۰ چین به سلطه آمریکا در اقیانوس آرام و هند پایان خواهد داد. از آنجا که اولویت اول چین را امنیت دریایی تشکیل می‌دهد، اقدامات این کشور برای توسعه استراتژیک توان دریایی و نظامی خود، تاییدی بر این مسئله است. (Pedrozo, 2011, p.2)

^۱- Trans-Pacific Partnership (TPP)

^۲- Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

رشد هزینه‌های نظامی در منطقه آسیا - پاسفیک

بر اساس آمار مؤسسه بین‌المللی صلح استکهلم (سیپری) مخارج نظامی جهان ۱ تریلیون و ۶۷۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ بوده که در مقایسه با سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ که کاهش داشته در سال ۲۰۱۵ یک درصد رشد یافته است. در این بین مخارج نظامی در منطقه آسیا - پاسفیک در سال ۲۰۱۵، ۵/۴ درصد رشد داشته و به ۴۳۶ میلیارد دلار رسیده است همچنین در بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ به میزان ۶۴ درصد رشد داشته است. چهار کشور از پانزده کشور اول در لیست بیشترین دارندگان مخارج نظامی در سطح جهانی به منطقه آسیا - پاسفیک اختصاص دارد که شامل چین با رتبه دوم، ژاپن با رتبه هشتم، کره جنوبی با رتبه دهم و استرالیا با رتبه سیزدهم می‌باشد. (Panda, 2015)

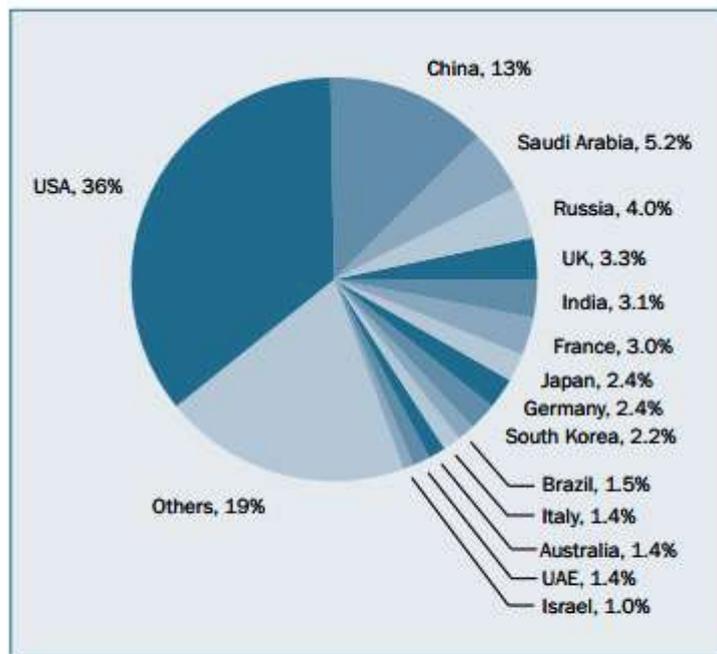


Figure 2. The share of world military expenditure of the 15 states with the highest spending in 2015

علیرغم بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۸ که منجر به کاهش هزینه‌های نظامی بسیاری از کشورها شد، منطقه آسیا-پاسفیک بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ شاهد رشد فزاینده مخارج نظامی بوده است. ریشه اصلی این افزایش هزینه‌ها به بالاگرفتن اختلافات ارضی در منطقه و توسعه محیط امنیتی برمی‌گردد. رشد چین در تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی از یک طرف موجبات نگرانی کشورهای منطقه را فراهم نموده و از طرفی بر اساس سیاست بازگشت به آسیا از سوی آمریکا و لزوم تأمین امنیت دریایی، متحدین آمریکا در منطقه در تلاش برای افزایش توان نظامی خود هستند. وجود تنگه‌های مهمی چون تنگه مالاکا^۱ در این منطقه و حجم ۵۰ درصدی از حمل و نقل دریایی از دریای چین جنوبی لزوم تأمین امنیت دریایی را دوچندان نموده است. در سال ۲۰۱۴ از بین کشورهای منطقه آسیا-پاسفیک، مخارج نظامی چین ۹/۷ درصد رشد داشته و به ۲۱۵ میلیارد دلار رسیده در حالی که پیش از این چینی‌ها در بودجه رسمی خود برای سال ۲۰۱۴ میزان ۱۳۲ میلیارد دلار را اعلام کرده بودند. میزان مخارج نظامی چین بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ تا ۴۸ درصد رشد داشته است. دیگر کشورهای منطقه نیز در سال ۲۰۱۴ چنین رشدی را تجربه کردند. استرالیا ۶/۷ درصد افزایش، کره جنوبی ۲/۳ درصد افزایش و هند ۱/۸ درصد رشد داشته است. (Freeman & Solmirano, 2014). در جدول ذیل با نگاهی به آخرین آمار منتشر شده در دسامبر سال ۲۰۱۶ از سوی موسسه بین‌المللی صلح استکهلم در خصوص بودجه دفاعی و جایگاه برخی کشورهای منطقه در رتبه‌بندی جهانی در سال ۲۰۱۵ می‌توان شاهد این رشد بود: (Wezeman & Freeman, 2016, pp.1-4)

^۱ - تنگه مالاکا (Strait of Malacca) یکی از مهمترین گذرگاه‌های دریایی جهان شناخته می‌شود که اقیانوس هند را به دریای چین جنوبی در اقیانوس آرام متصل می‌سازد. نزدیک به یک چهارم از محموله‌های نفت خام دنیا از این تنگه عبور می‌کنند که پس از تنگه هرمز مهمترین شاهراه حمل و نقل دریایی نفت در دنیا بشمار می‌رود. سالانه ۵۰ هزار کشتی از این تنگه تردد می‌کنند.

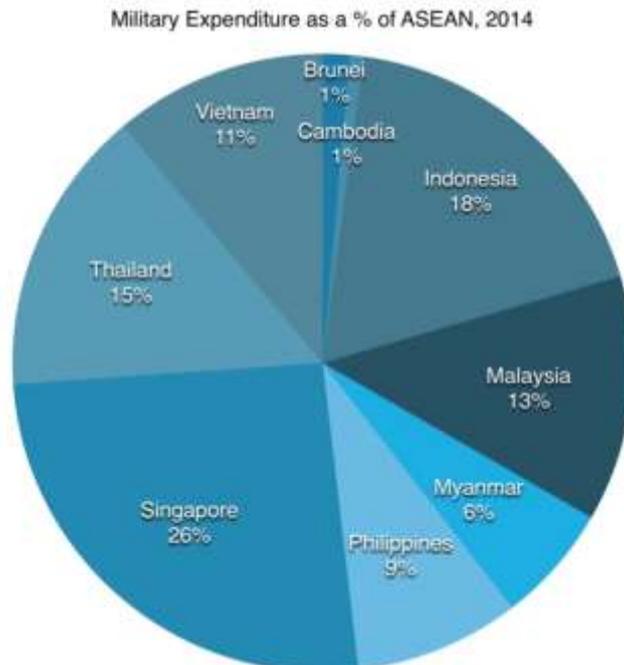
شکل گیری معمای امنیت با رشد رقابت تسلیحاتی در آسیا - پاسفیک / ۱۰۵

نام کشور	بودجه دفاعی (میلیارد دلار)	درصد تغییر رشد بین ۲۰۰۶-۲۰۱۵	رتبه جهانی	درصد از GDP
آمریکا	۵۹۶	-۲/۴	اول	۳/۳
چین	۲۱۵	۱۳۲	دوم	۱/۹
هند	۵۱/۳	۴۳	ششم	۲/۳
ژاپن	۴۰/۹	-۰/۵	هشتم	۱
کره جنوبی	۳۶/۴	۳۷	دهم	۲/۶
استرالیا	۲۳/۶	۳۲	سیزدهم	۱/۹

در جنوب شرق آسیا میزان مخارج نظامی اعضای آسه آن ۳۹/۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ بوده است که در مقایسه با سال ۲۰۱۴ حدود ۸/۸ درصد رشد داشته و در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ تا ۵۷ درصد رشد داشته است. در این بین برونئی ۲۹ درصد و کامبوج ۱۴ درصد در سال ۲۰۱۴ نسبت به سال پیش از آن رشد داشتند. ویتنام نیز در سال ۲۰۱۵ در مخارج نظامی خود ۷/۶ درصد افزایش داشته که میزان آن از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ تا ۱۲۸ درصد رسیده است. اندونزی علی‌رغم سال‌ها افزایش مخارج نظامی، در سال ۲۰۱۴ حدود ۱۰ درصد کاهش در بودجه نظامی خود داشته است اما پارلمان این کشور در آوریل ۲۰۱۵ اعلام کرد که قصد دارد که بودجه نظامی را از ۷ میلیارد دلار به ۱۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰ برساند که در حال حاضر ۰/۸ درصد از GDP را شامل می‌گردد اما قرار است این میزان به ۱/۵ درصد برسد. (Abuza, 2015) بودجه این کشور در سال ۲۰۱۵ تا ۱۶ درصد رشد یافت. فیلیپین نیز که پیش از این کمترین رشد را در مخارج نظامی خود داشت در سال ۲۰۱۵ به دلیل ضعف نیروی هوایی و دریایی و بالا گرفتن اختلاف ارضی با چین، ۲۵ درصد بودجه نظامی خود را افزایش داد. جدول ذیل بر اساس آمار منتشر شده در سال ۲۰۱۵ توسط موسسه سیپری در حوزه آسه آن برای سال ۲۰۱۴ می‌باشد:

اعضای آسه آن	بودجه دفاعی (میلیارد دلار)	درصد تغییر رشد بین ۲۰۱۰-۲۰۱۴	درصد از GDP	درصد در آسه آن
سنگاپور	۹/۸	۲۱/۴	۳/۳	۲۶
اندونزی	۷	۵۰/۶	۰/۸	۱۸
تایلند	۵/۷۳	۱۵/۵	۱/۵	۱۵
مالزی	۴/۹	۲۷/۶	۱/۵	۱۳
ویتنام	۳/۴	۵۹/۱	۲/۲	۱۱
فیلیپین	۳/۳	۳۵	۱/۱	۹
میانمار	۲/۳	۴/۳	۴/۳	۶
برونئی	۵۲۸ میلیون	۳۵	۲/۴	۱
کامبوج	۲۷۸ میلیون	۵۶/۲	۱/۶	۱
کل جنوب شرق آسیا	۳۸/۲	۳۷/۶	۲/۲	

Military spending by country as a percentage of total ASEAN spending in 2014.
Source: SIPRI



وضعیت دیگر مناطق جهان بر اساس آمار سیپری عبارتند از:

(Wezeman & Freeman, 2016)

مناطق	بودجه دفاعی به میلیارد دلار	درصد رشد سالانه	درصد تغییر رشد بین ۲۰۱۵-۲۰۰۶
خاورمیانه (سال ۲۰۱۴)	۱۹۶	۵/۲	-
اروپا	۳۲۸	۱/۷	۵/۴
آمریکا (شمالی جنوبی و مرکزی)	۶۷۸	-۲/۵	-۰/۸
آفریقا	۳۷	-۵/۳	۶۸

به این ترتیب با افزایش توان نظامی چین و اختلاف آن با اکثر کشورهای منطقه از یک سو و از سوی دیگر از زمانی که آمریکا سیاست بازگشت به آسیا- پاسفیک را مطرح نموده است، دوستان و متحدان منطقه‌ای آن شروع به سرمایه‌گذاری در حوزه نظامی و مدرن سازی تجهیزات نظامی خود کرده‌اند. از این منظر جهان شاهد شیفت افزایش هزینه‌های نظامی به سمت آسیا است و در این راستا کشورهای آسیایی به نحو فزاینده‌ای به خرید تجهیزات نظامی روی آورده‌اند.

روند رو به رشد واردات تسلیحات در آسیا- پاسفیک

در قرن ۲۱، هیچ منطقه‌ای به اندازه آسیا - پاسفیک پتانسیل برای رشد و توسعه نداشته است. این منطقه میزبان نیمی از جمعیت جهان و طبقه در حال رشد است. این منطقه همچنین نیمی از تجارت جهانی را در اختیار دارد اما مسائلی چون اختلافات ارضی، رشد چین و بازسازی توان نظامی آن بر ایجاد محیط امنیتی و امنیت دریایی منطقه اثر گذار بوده و کشورهای آسیا-پاسفیک را به سمت افزایش توان نظامی سوق داده است. از سویی از منظر سیاست خارجی آمریکا در چارچوب سیاست بازگشت به آسیا، حضور آمریکا در منطقه برای کمک به حفظ صلح و ثبات و تأمین امنیت دریایی برای متحدان آمریکا در منطقه ضروری است در همین راستا همکاری آمریکا با متحدان و دوستان آن در منطقه

طی سال‌های اخیر جهت مقابله با چالش‌های امنیتی مشترک، افزایش بیشتری یافته و منجر به افزایش هزینه‌های نظامی و واردات تسلیحات پیشرفته از سوی کشورهای آسیا-پاسفیک شده است. (Lee, 2015)

بر اساس آخرین آمار منتشره در مارس ۲۰۱۵ در خصوص صادرات و واردات تسلیحات، ۵ صادر کننده بزرگ تسلیحات در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ به ترتیب آمریکا، روسیه، چین، آلمان و فرانسه می‌باشد که ۷۴ درصد صادرات جهان را به خود اختصاص داده‌اند. چین با افزایش میزان صادرات خود جایگزین آلمان در رتبه سوم شده است در حالی که پیش از این بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ چین در رتبه نهم قرار داشت. در بین وارد کنندگان تسلیحات نیز ۵ کشور بزرگ وارد کننده در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ شامل هند، عربستان، چین، امارات و پاکستان قرار دارند. رتبه اول واردات تسلیحات در دنیا به منطقه آسیا-پاسفیک با ۴۸ درصد اختصاص دارد. سپس خاورمیانه با ۲۲ درصد در جایگاه دوم، اروپا با ۱۲ درصد، آمریکا با ۱۰ درصد و آفریقا با ۹ درصد در رتبه‌های سوم تا پنجم قرار دارند (Wezeman & Wezeman, 2015, pp.1-3). در سطح جهانی ۶۰ کشور صادر کننده تسلیحات می‌باشند. میزان صادرات سه کشور اول به ترتیب ذیل می‌باشد:

- ۱- آمریکا با رتبه اول به ۹۴ کشور سلاح صادر می‌کند.
- ۲- روسیه با رتبه دوم به ۵۶ کشور سلاح صادر می‌کند. هند، چین و الجزایر ۶۰ درصد از کل صادرات روسیه را دریافت می‌کنند.
- ۳- چین، میزان صادراتش ۱۴۳ درصد افزایش در مقایسه با سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۹ داشته و به ۳۵ کشور سلاح صادر می‌کند. ۶۸ درصد از صادرات چین به سه کشور پاکستان، بنگلادش و میانمار می‌باشد. چین همچنین به ۱۸ کشور آفریقایی سلاح صادر می‌کند.

سه کشور اول صادر کننده تسلیحات	تعداد کشورهای دریافت کننده تسلیحات از: آمریکا، روسیه و چین	مناطق و کشورهای دریافت کننده تسلیحات	درصد واردات از:
آمریکا	۹۴ کشور	آسیا- پاسفیک	۴۸ درصد
		خاورمیانه	۳۲ درصد
		اروپا	۱۱ درصد
روسیه	۵۶ کشور	آسیا- پاسفیک	۶۶ درصد
		آفریقا	۱۲ درصد
		خاورمیانه	۱۰ درصد
چین	۳۵ کشور	پاکستان- بنگلادش و میانمار	۶۸ درصد
		۱۸ کشور آفریقایی	

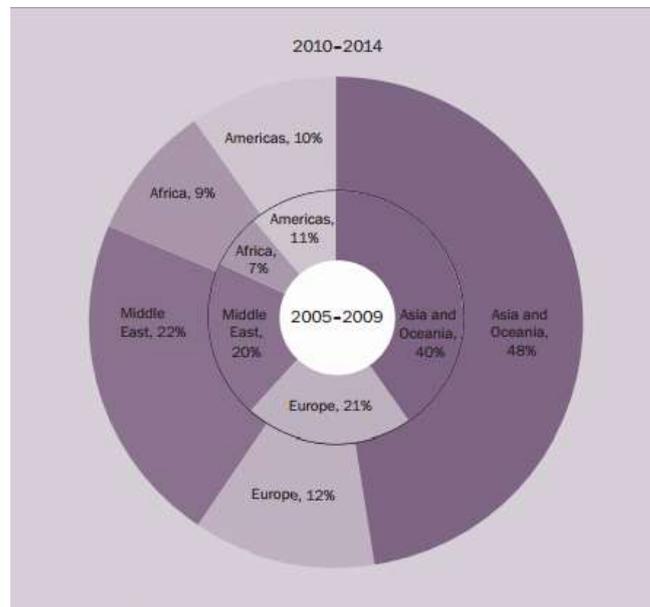
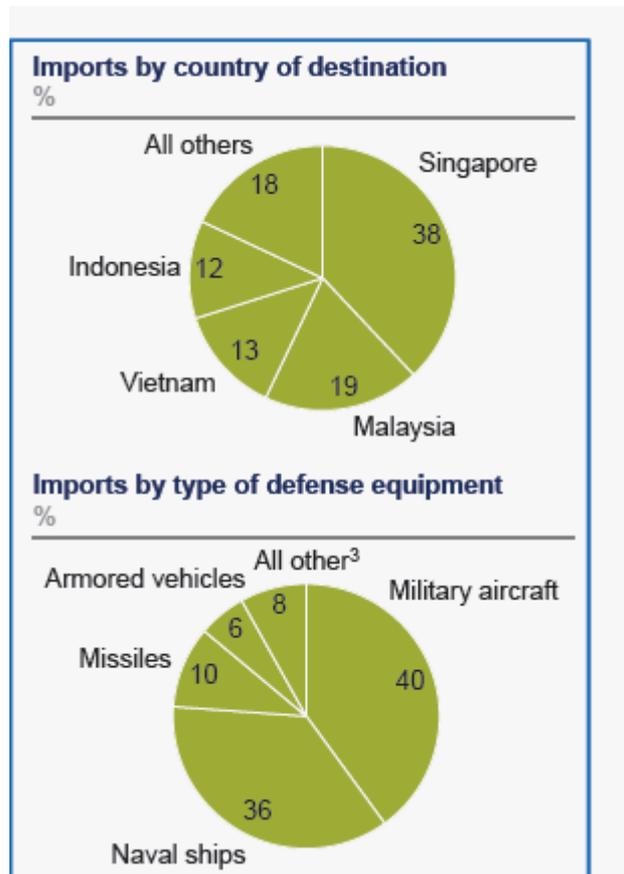


Figure 3. The importers of major weapons, by region, 2005-2009 and 2010-14, per cent of global share

در سطح جهانی ۱۵۳ کشور نیز وارد کننده تسلیحات می‌باشند. از ۱۰ کشور اول وارد کننده در بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۴، پنج کشور در منطقه آسیا-پاسفیک می‌باشند که شامل هند، چین، استرالیا، کره جنوبی و سنگاپور می‌گردد. هند بزرگترین وارد کننده تسلیحات در سطح جهان ۱۵ درصد از کل واردات جهانی را در اختیار دارد و میزان واردات آن در مقایسه با سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۹ به میزان ۱۴۰ درصد افزایش داشته است. ۷۰ درصد تسلیحات هند از روسیه، ۱۲ درصد از آمریکا و ۷ درصد از اسرائیل وارد می‌شود. چین سومین وارد کننده بزرگ تسلیحات، ۵ درصد از واردات جهان را در اختیار دارد. ۶۱ درصد از واردات آن از روسیه، ۱۶ درصد از فرانسه و ۱۳ درصد از اوکراین تأمین می‌گردد. استرالیا جایگاه ششم را در واردات تسلیحات دارد که ۶۸ درصد آن از آمریکا و ۱۹ درصد از اسپانیا وارد می‌شود. (Wezeman & Wezeman, 2015, pp.4-6). از ۴۸ درصد میزان واردات تسلیحات در منطقه آسیا-پاسفیک، ۴۶ درصد به کشورهای جنوب آسیا، ۲۳ درصد به شمال شرق آسیا، ۲۲ درصد به جنوب شرق آسیا و ۸ درصد به اقیانوسیه اختصاص دارد.



حجم بالای واردات تسلیحات در آسیا-پاسفیک بیانگر احساس عدم ثبات و شکل گیری محیط امنیتی است. اختلافات در دریای چین جنوبی، اختلاف دو کره و رشد توان نظامی چین همه و همه احساس نیاز به تقویت و مدرن سازی توان نظامی را در کشورهای این منطقه موجب شده است. هرچند برخی از این تسلیحات برای تأمین امنیت داخلی و مسائلی چون مبارزه با دزدی دریایی، قاچاق و امداد رسانی در زمان وقوع بلایای طبیعی است اما بخش مهمی از این تسلیحات برای کسب وجهه و اعتبار است. چین، هند و اندونزی کشورهایی هستند که خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و حتی فراتر از آن در سطح جهانی می‌دانند، لذا برای اثبات آن نیاز به مدرن سازی نیروی نظامی خود با سلاح‌های پیشرفته دارند. آنچه باعث نگرانی در مورد آینده این منطقه شده است دنبال کردن یک مسابقه تسلیحاتی به دلیل شکل گیری محیط امنیتی است. کشورهای این منطقه

هنوز یک سازوکار مشخص برای حل اختلافات خود ندارند و در زمان بروز اختلاف تنها با افزایش تعداد نیروی نظامی خود در مناطق مورد مناقشه سعی در رفع مشکل دارند. وجود این چنین اختلافات ارضی بین کشورهای منطقه در آینده نزدیک نگران کننده بوده و پتانسیل تبدیل شدن به درگیری در منطقه را داراست. (Asia Accounts for Nearly a Third of Global Arms Imports, 2015)

مقایسه توان دریایی برخی کشورهای آسیا-پاسفیک در سال ۲۰۱۵:

(US Department of Defense, 2015)

کشور	تعداد رزم ناو بزرگ	تعداد رزم ناو کوچک	تعداد کشتی چندمنظوره amphibious ¹	تعداد زیردریایی	جمع کل
چین	۷۹	۱۰۷	۵۳	۶۴	۳۰۳
ژاپن	۴۶	۰	۳	۱۸	۶۷
اندونزی	۹	۲۶	۲۴	۲	۶۱
ویتنام	۲	۲۴	۸	۳	۳۷
مالزی	۴	۷	۱۰	۲	۲۳
فیلیپین	۵	۹	۰	۰	۱۴

راهکارهای ژاپن برای تقویت محیط امنیتی خود

همزمان با روی کار آمدن شینزو آبه، نخست وزیر ژاپن، سیاست خارجی و نظامی این کشور و تحولات گسترده‌ی را تجربه کرده است. دولت آبه با اتخاذ یک رشته از سیاست‌های دفاعی جدید به دنبال تغییر جایگاه منطقه‌ای خود در شرق آسیا برآمده است. ژاپن استراتژی جدید خود را در جهت افزایش تدابیر دفاعی در برابر تهدیدات چین و حفاظت از قلمرو ژاپن همچنین تقویت جایگاه این کشور در راستای افزایش صلح و امنیت در منطقه تدوین کرده است. بر اساس این استراتژی، ژاپن بدنبال نقش فعال‌تر در حوزه امنیتی و دفاعی و صادرات

¹ - An amphibious is a type of amphibious warfare ship employed to land and support ground forces on enemy territory.

تسلیحات است که نشانگر تغییر اساسی در سیاست پیشین این کشور و دنبال کردن یک سیاست دفاعی-امنیتی جدید در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. مدرن‌سازی نظامی چین در کنار رشد اقتصادی آن از یکسو و مناقشه بر سر جزایر مورد اختلاف چین و ژاپن در دریای شرقی از سوی دیگر سبب شده تا ژاپن درصدد تقویت نیروی دفاعی و دریایی خود و بازسازی اتحاد با آمریکا برآمده و ۳ راهکار برای مهار چین و حفظ امنیت خود در پیش بگیرد:

یکی از این راهکارها تلاش برای تغییر قانون اساسی ژاپن است. این تغییر به سود تبدیل ارتش ژاپن به ارتشی متعارف است که بتواند در منطقه و در گوشه و کنار جهان قدرت مانور و انجام عملیات داشته باشد. (طبق بند ۹ قانون اساسی، ارتش باید فاقد نیروی زمینی و هوایی و دریایی باشد و صرفاً بتواند تا حدودی دفاع از کشور را تضمین کند).

راهکار دوم، اتحاد و همکاری تنگاتنگ سیاسی و نظامی با کشورهایی در منطقه است که مثل خود ژاپن با چین مناقشه ارضی دارند. فیلیپین، مالزی و ویتنام از جمله این کشورها هستند. در راستای اجرای این راهکار، در رابطه با فیلیپین، ژاپن بارها بر علائق مشترک دو کشور در تأمین امنیت در منطقه آسیا پاسفیک تأکید کرده است. در همین راستا ژاپن به فیلیپین شماری کشتی گشتی هدیه کرده تا فعالیت‌های چین در دریای جنوبی چین بیش از پیش کنترل شود. آموزش پرسنل ویتنامی و فیلیپینی در زمینه گشت و کنترل سواحل نیز از دیگر برنامه‌های ژاپن در ارتباط با سیاست مقابله با چین است. راهکار دیگری که ژاپن اهمیت بسیاری به آن می‌دهد فعال کردن هر چه بیشتر اتحاد استراتژیک با آمریکا است، به ویژه که آمریکا نیز اینک آسیا و پاسفیک را با توجه به رشد اقتصادی، نظامی و سیاسی چین حوزه اصلی چالش‌ها و رقابت‌های آتی جهان می‌داند و بیش از پیش نیروها و امکانات نظامی خود را در این منطقه مستقر کرده است. در همین راستا ژاپن و آمریکا به توافقی در راستای تجدید نظر در دستورالعمل همکاری‌های دفاعی خود دست یافتند و چارچوب گسترده‌ای برای همکاری بین دو کشور در حوزه نظامی شامل افزایش همکاری در مبارزه با تروریسم و گسترش و تقویت توان متحدان در منطقه برای پاسخ حمله به ژاپن، در نظر گرفته شد. این مسئله می‌تواند بیش از پیش به تغییر محیط امنیتی در منطقه بیانجامد. (Chanlett-Aver & Rinehart, 2016)

از نگاه ژاپن دستورالعمل جدید همکاری با آمریکا نه فقط در حوزه نظامی و امنیتی بلکه باید شامل همکاری‌های تاکتیکی در حوزه سیاسی برای جلوگیری از کاربرد زور و تهدید توسط چین علیه کشورهای منطقه به ویژه ژاپن باشد. هرچند که همکاری‌های نظامی ژاپن و آمریکا پیامدهای چندجانبه دیپلماتیک و مثبت بدنبال خواهد داشت و باعث گسترش تعداد متحدین آمریکا در منطقه خواهد شد، همچنین سطح پذیرش حضور آمریکا در منطقه را افزایش خواهد داد، اما در این بین ژاپن بدنبال تقویت اتحاد خود با آمریکا برای تثبیت جایگاه خاص در استراتژی بازگشت به آسیا و پاسفیک اوباما است. در حال حاضر با خطری که ژاپن و کشورهای منطقه از افزایش قدرت نظامی و اقتصادی چین احساس می‌کنند چه در حوزه دریای جنوبی چین و چه در دریای شرقی، بیش از پیش خواهان حضور آمریکا در منطقه هستند و آمریکا نیز در مقابل خواهان مشارکت کشورهای منطقه در تقسیم وظایف و هزینه‌هاست. بر همین اساس آمریکا بدنبال جایگزین کردن استراتژی point to point به جای استراتژی Hub & Spoke در منطقه است. در چارچوب این استراتژی، آمریکا به توانمندی تک تک کشورهای دوست در منطقه و با هزینه خود آنها کمک می‌کند تا برای حفظ امنیت خود و یا سایر متحدین به ویژه در زمانی که آمریکا نتواند واکنش سریع نشان دهد، وارد عمل شوند در حالی که در استراتژی قبلی، آمریکا نقش سنتی و یکطرفه (Hub) برای حفظ امنیت در منطقه دارا بود. در حال حاضر قوی‌ترین متحدین آمریکا در منطقه یعنی ژاپن، کره جنوبی و استرالیا ظرفیت لازم برای اجرای این استراتژی را دارا هستند.

در همین راستا استراتژی جدید ژاپن برای ارائه تعریفی دوباره از نقش نیروهای دفاعی در این کشور در راستای تغییر قانون اساسی این کشور است. قانون اساسی صلح طلبانه ژاپن پس از جنگ جهانی دوم تدوین شده بود و امکان داشتن نیروی نظامی آن را محدود کرده بود. بر اساس مصوبه جدید، بودجه دفاعی این کشور طی ۵ سال آینده یعنی تا سال ۲۰۱۹ به میزان ۵ درصد افزایش خواهد داشت. بخشی از این بودجه صرف خرید تجهیزات نظامی همچون ۵۲ وسیله نقلیه آبی و خاکی، ۵ زیردریایی، ۳ فروند هواپیمای بدون سرنشین، ۱۷ هواپیما با قابلیت برخاست و فرود عمودی (اسپری)، ۲۸ هواپیمای جنگنده اف-۳۵ و ۲ ناوشکن مجهز به سیستم سپر موشکی خواهد شد. بودجه دفاعی ژاپن برای

سال مالی ۲۰۱۶ نسبت به سال ۲۰۱۵ میلادی ۲/۲ درصد افزایش داشته و به ۴۲ میلیارد دلار می‌رسد (Gady, 2015). از نظر ژاپن بودجه نظامی این کشور بعد از یک دهه به میزان ناچیزی افزایش یافته در حالی که چین در عرض دو دهه ۳۰ مرتبه بودجه نظامی خود را افزایش داده است. برای ژاپن بعد از ۷۰ سال پیروی از سیاست انزوای طلبی در حوزه امنیتی و دفاعی زمان تغییر سیاست رسیده است. به ویژه با توجه به رشد روزافزون چین لازم است که ژاپن بعد از این نقشی فعال‌تر در منطقه داشته باشد.

استراتژی جدید نشانگر آن است که ژاپن خواهان تبدیل کردن سیاست خارجی این کشور از حالت منفعل به حالت فعال است در حوزه دفاعی نیز به دنبال تغییر نقش نیروهای دفاعی از مکمل به نیروی دفاعی عملیاتی و جامع است. منتقدان این طرح معتقدند که این اقدام، ژاپن را مجدداً به سمت نظامی‌گری سوق می‌دهد و این تهدیدی برای ثبات در منطقه می‌باشد. اما دولت ژاپن معتقد است که این استراتژی تنها برای افزایش توان پاسخگویی ژاپن به چالش‌ها و تهدیدات جدید است. ژاپن با خطرات جدی امنیتی از سوی کشورهای کره شمالی و چین مواجه است و نیاز به تلاش ژاپن برای تقویت و مقابله با این تهدیدها دارد.

دو محرک اصلی برای تغییر سیاست ژاپن وجود دارد: یکی رشد توان نظامی چین به ویژه در حوزه دریایی و دیگری ترس ژاپن بابت از دست دادن جایگاه خود در منطقه، البته نگرانی از افزایش تنش در شبه جزیره کره را نیز باید به آن افزود. تهدید ناشی از توان رو به رشد چین در حوزه نظامی و تمایل آن کشور به افزایش قدرت دریایی و هوایی و همچنین مدرن‌سازی سریع ارتش چین در حوزه دریایی و سایبری، باعث افزایش قابلیت چین در به چالش کشیدن قدرت آمریکا در دفاع از متحدان منطقه‌ای آن خواهد شد. تشدید اختلاف بر سر جزایر دریای شرقی و اعلام منطقه دفاع هوایی از سوی چین نیز حاکی از آن است که چین با توجه به توان بالای اقتصادی به دنبال باز تعریف منافع ملی خود برآمده است. ژاپن تا پیش از این، مدافع سیستم پس از جنگ مبتنی بر داشتن نیروی نظامی محدود بود اما با تهدیدات جدید چین و کره شمالی، ژاپن نیز دریافته که نیاز به "پاسخ محکم اما به شیوه‌ای آرام"^۱، به این تهدیدات دارد. (Cronin, 2013)

^۱ - Firmly but in a Calm Manner

وابستگی ژاپن به توان نظامی آمریکا با توجه به نوسازی نظامی چین دیگر معقول به نظر نمی‌رسد به ویژه سرمایه‌گذاری چین در حوزه موشک‌های بالستیک ضد کشتی، زیردریایی و جنگ سایبری، توان چین را در درگیری احتمالی با آمریکا افزایش داده است. این برای ژاپن بازنگری در سیاست دفاعی را ضروری نموده است. استراتژی جدید دفاعی ژاپن بدنبال سرمایه‌گذاری در جهت حفظ توان بازدارندگی و تقویت اتحاد با آمریکا است. به همین منظور آبه به محض به قدرت رسیدن، قصد خود را در جهت گسترش توان دفاعی کشورش برای بازدارندگی چین و افزایش قابلیت همکاری با نیروی نظامی آمریکا اعلام کرد. ژاپن معتقد است که اتحاد با آمریکا برای حفظ نظم در آسیا- پاسفیک ضروری است.

به این ترتیب، ژاپن از یک تأمین کننده صرف پایگاه برای آمریکا در منطقه به یک عضو فعال و کلیدی در معماری استراتژیکی و امنیتی آمریکا در آسیا پاسفیک تبدیل شده است. در قلب استراتژی بازگشت به آسیای اوباما، پروسه دستیابی به تنوع اتحاد^۱ مطرح است. بر این اساس، علاوه بر متحدین پیشین آمریکا یعنی کره جنوبی، استرالیا و فیلیپین، باز کردن بیشتر کانال‌های دیپلماتیک با کشورهای چین و ویتنام و میانمار نیز در دستور کار این استراتژی قرار دارد. در این بین ژاپن سنگ بنای تعامل آمریکا با این کشورها در منطقه است. ژاپن دیگر به عنوان (*Security Consumer*) کشوری که نیاز به چتر حمایتی آمریکا داشته باشد، مطرح نیست. نقش ژاپن در استراتژی جدید آمریکا در منطقه علاوه بر اهمیت جایگاه اقتصادی آن، به نقشی فعال در تأمین ثبات و تقویت اتحاد آمریکا با کشورهای منطقه بدل شده است. (Dian, 2013)

نتیجه‌گیری

منطقه آسیا - پاسفیک در قرن ۲۱ پتانسیل درگیری بر سر اختلافات ارضی دریایی را دارد. واقعیات ژئوپلتیک در آسیا - پاسفیک به ویژه در جنوب شرق آسیا مانعی برای ایجاد یکپارچگی امنیتی است. کشورهای منطقه نیاز به یک توازن قدرت استراتژیک بین اتحاد با آمریکا از یکسو و مشارکت با چین از سوی دیگر دارند. انجام اقدامات اعتماد ساز در منطقه

^۱- Alliance Diversification

از جمله حل اختلافات تاریخی و ارضی و همچنین اجماع اعضای آسه آن برای دنبال کردن استراتژی توازن بین آمریکا و چین، زمینه‌ساز یکپارچگی امنیت منطقه‌ای در آسیا-پاسفیک خواهد بود. در پنج سال گذشته ریسک رقابت و درگیری در دریای جنوبی چین و دریای شرقی افزایش یافته است. از نگاه واقع‌بینانه، در این منطقه رشد چین، عدم تمرکز کامل آمریکا روی این منطقه آن‌طور که در ابتدای ارائه دکترین بازگشت به آسیا توسط اوباما مطرح شده بود، نبود نهادهای منطقه‌ای در حوزه امنیتی، اختلافات ارضی و نگرانی‌ها از تأثیر این اختلافات بر امنیت دریایی به عنوان مهم‌ترین راه تبادلات تجاری، همه و همه منجر به شکل‌گیری محیط امنیتی و بالاتر از آن معمای امنیتی شده است.

در مجموع منطقه آسیا پاسفیک از جمله حوزه‌های مهم و استراتژیک در سطح جهان می‌باشد. حدود ۶۵ درصد از منابع و مواد معدنی جهان، ۶۱ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی و ۴۷ درصد از تجارت بین‌المللی متعلق به آسیا پاسفیک است که همگی حاکی از اهمیت ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک این منطقه می‌باشد. آنچه باعث نگرانی در مورد آینده این منطقه شده است دنبال کردن یک مسابقه تسلیحاتی به دلیل شکل‌گیری محیط امنیتی است. کشورهای این منطقه هنوز یک سازوکار مشخص برای حل اختلافات خود ندارند و در زمان بروز اختلاف تنها با افزایش تعداد نیروی نظامی خود در مناطق مورد مناقشه سعی در رفع مشکل دارند. وجود این چنین اختلافات ارضی بین کشورهای منطقه در آینده نزدیک نگران‌کننده بوده و پتانسیل تبدیل شدن به درگیری در منطقه را داراست.

منابع و مأخذ

- 1- Abuza, Zachary (2015), "Analyzing Southeast Asia's Military Expenditure", May 7, in: <http://cogitasia.com/analyzing-southeast-asias-military-expenditures/>
- 2- Asia Accounts for Nearly a Third of Global Arms Imports(2015), in: <http://www.dw.com/en/asia-accounts-for-nearly-a-third-of-global-arms-imports/a-18318925>.
- 3- Buzan, Bary, (2000), *The logice of Regional Security in the Post Cold War World*, London, Macmillan Press.
- 4- Chanlett-Avery, Emma & Rinehart, Ian E.(2016), *The U.S.-Japan Alliance*, Congressional Research Service, in: <https://www.fas.org/sgp/crs/row/RL33740.pdf>
- 5- Coburn, Andrew (2015), "Planning for war: a guide for businesses", *The Conversation*, 17 February, <http://theconversation.com/planning-for-wara-guide-for-businesses-37297>.
- 6- Cronin, Patrick M.(2013), "Japan's New Defense", Center for a New American Security, in: <http://www.cnas.org/content/japans-new-defense-strategy#.Vs06kOLFUwY>
- 7- Dian, Matteo(2013), "*USA:No More a security consumer*", *Institute for International Policy Studies*, in: <http://www.ispionline.it/it/pubblicazione/usa-no-more-security-consumer>
- 8- Freeman, Sam perlo & Solmirano,Carina(2014), "Military spending and regional security in the Asia-Pacific", *SIPRI Yearbook*, in: <http://www.sipri.org/yearbook/2014/files/sipri-yearbook-2014-chapter-4-section-iii>
- 9- Gady, Franz-Stefan (2015), "Japan's Defense Ministry Wants Record Military Budget for 2016", September 01, in: <http://thediplomat.com/2015/09/japans-defense-ministry-wants-record-military-budget-for-2016/>
- 10- Hansen,Birthe,Toft,Peter & Wivel, Anders(2009), *Security Strategies and American World Order: Lost power*, Routledge, in: http://samples.sainsburysebooks.co.uk/9781134036516_sample_525438.pdf
- 11- Kun-Chin, Lin & Gertner, Andrés Villar (2015), *Maritime Security in the Asia-Pacific China and the Emerging Order in the East and South China Seas*, Chatham House, the Royal Institute of International Affairs.
- 12- Lee, Sheryn(2015),*Crowded waters Naval competition in the Asia-Pacific*, The Australian Strategic Policy Institute, ASPI, in: https://www.aspi.org.au/publications/crowded-waters-naval-competition-in-the-asiapacific/SR80_crowded_waters.pdf

13- Mearsheimer, J.J. (2001). The tragedy of great power politics. New York: W.W. Norton & Company, in:

<https://samuelbhfauredotcom.files.wordpress.com/2015/10/s2-mearsheimer-2001.pdf>

14- Metelitsa, Alexander and Kupfer, Jeffrey (2014), 'Oil and Gas Resources and Transit Issues in the South China Sea', Issue Brief of the Asia Society Policy Institute, 10 November, in:

http://asiasociety.org/files/SouthChinaSea_OilGas_brief.pdf.

15- Ministry of Foreign Affairs of Japan, 'Trends in Chinese Government and Other Vessels in the Waters Surrounding the Senkaku Islands, and Japan's Response -Records of Intrusions of Chinese Government and Other Vessels into Japan's Territorial Sea', 18 February 2015,

http://www.mofa.go.jp/region/page23e_000021.html.

16- Pedrozo, Stacy.A(2011), "China's Active Defense Strategy and its Regional Impact", Economic & Security Review Commission, Council on Foreign Relations, 27 January. & Ikenberry, G. John & Liff, Adam P.(2014)," Racing toward Tragedy?: China's Rise, Military Competition in the Asia Pacific, and the Security Dilemma", International Security,Fall, Vol. 39, No. 2, in:

http://www.mitpressjournals.org/doi/full/10.1162/ISEC_a_00176#.VrrC7eLFUwZ

17- Panda,Ankit(2015)," Global Defense Spending Is Down, But Asia's Spending Is Up",In: <http://thediplomat.com/2015/04/global-defense-spending-is-down-but-asias-spending-is-up/>

18- Sorensen,Georg(2007),"After the Security Dilemma:The Challenges of Insecurity in Weak States and the Dillema of Liberal Values",Security Dialogue,Vol.38, No.3

19- Taliaferro, Jeffrey W(2000), "Security Seeking under Anarchy: Defensive Realism Revisited." *International Security*,Vol. 25, No. 3 Winter, MIT Press.

20- US Energy Information Administration(2013), The South China Sea is an important world energy trade route', 4 April 2013,

<http://www.eia.gov/todayinenergy/detail.cfm?id=10671>.

21- US Department of Defense(2015),The Asia-Pacific Maritime Security Strategy: Achieving U.S. National Security Objectives in a Changing Environment, in:

http://www.defense.gov/Portals/1/Documents/pubs/NDAA%20A-P_Maritime_Security_Strategy-08142015-1300-FINALFORMAT.PDF

22- Wezeman, Pieter d. and Wezeman, Siemon t.(2015),Trends in International Arms Transfers, SIPRI Fact Sheet March, in:

<http://books.sipri.org/files/FS/SIPRIFS1503.pdf>

23- Wezeman, Siemon t. & Freeman, Sam perlo(2016)," Trends in World Military Expenditure,2015", SIPRI Fact Sheet, in:

<http://books.sipri.org/files/FS/SIPRIFS1604.pdf>

24 -www.cfr.org/world/armed-clash-south-china-sea/p27883.

25- www.worldenergyoutlook.org/publications/weo-2012/.

26- www.wto.org/english/res_e/statis_e/its2014_e/its2014_e.pdf, p. 28.

27-Yuxin A. Zhang(2015), "Security Integration in the Asia-Pacific", in: <http://thediplomat.com/2015/06/security-integration-in-the-asia-pacific/>

28- Zakaria, Fareed(1998),From Wealth to Power: The Unusual Origins of America's World Role, Princeton, NY:Princeton University Press.